

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۲۴ - ۱۰۱

اصول اخلاقی پیامبر (ص) در جنگها بر اساس سیره تاریخی پیامبر (ص) و قرآن

^۱ مهدی عابدی

^۲ سید محمد رضا حسینی

^۳ محمد طاهر یعقوبی

چکیده

اخلاق و اصول اخلاقی یکی از جنبه‌های مهم دین اسلام و از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو در قرآن کریم یکی از اهداف بعثت پیامبر (ص) تربیت و آموزش حکمت معرفی شده است و پیامبر (ص) چون حاکمیت دین اسلام را بر عهده داشتند بنابراین در مواقع مختلف با اخلاق مدارى و پایبندی به اصول اخلاقی رفتار می نمودند. از جمله صحنه‌هایی که پیامبر در آن قرار می گرفتند زمان‌های جنگ بود که سعی در رعایت اصول اخلاقی داشتند. آنچه در این نوشتار مدنظر قرار دارد این است پیامبر (ص) هنگامی که در صحنه‌های مختلف جنگ قرار می گرفتند چه نوع برخوردی داشتند و درواقع این موضوع از طریق قرآن و سیره تاریخی پیامبر (ص) مورد بررسی قرار می گیرد. آنچه از این پژوهش به دست می آید این است که بر خلاف نظر مستشرقان که غزوات پیامبر را بر پایه خشونت و کسب غنیمت تفسیر نموده اند، پیامبر در جنگ‌های خود به اصول اخلاقی پایبند بوده و تمام تلاش خود را می کردند که مکارم اخلاقی از جمله عطوفت و مهربانی، وفای به عهد و صبر و استقامت و... را به مسلمانان آموزش بدهند.

واژگان کلیدی

اصول اخلاقی، پیامبر، جنگ، قرآن، تاریخ.

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه پیام نور، قم، ایران.

Email: Mahdiabedi110@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mreza-hoseini@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: yaghoubi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

طرح مسأله

اخلاق یکی از صفات پسندیده ادیان و آیین‌های الهی در طول تاریخ بوده است. اسلام به اخلاق توجه ویژه کرده و در قرآن کریم حدود پنج هزار آیه مربوط به اخلاق می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فلسفه بعثت خود را مکارم اخلاق می‌داند و می‌فرماید: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» به راستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام. لذا خداوند اخلاق را بستر رشد و تعالی ادیان قرار داد. و در واقع از صفات پسندیده‌ای است که انسان همواره سعی بر آن دارد تا خود را متصف به آن نماید. در صدر اسلام در این خصوص دو رویکرد قدیم - قبل از ظهور اسلام - و اخیر - بعد ظهور اسلام - وجود داشت، قدیم آن که به دوره جاهلیت در جزیره العرب بر می‌گردد بدین گونه که اخلاق ناپسند و دون‌شان انسانیت رواج داشته است و دوره اخیر آن یعنی بعد از ظهور اسلام، با شکل‌گیری فرهنگ و تمدن نوین اسلامی، رویکردی کاملاً متفاوت در حوزه اخلاق حتی در عرصه جنگ نمایانگر شد که تبلور آن در وجود مبارک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی (ع) بروز و ظهور داشت.

رعایت اخلاق و اصول اخلاقی از مسائل مهم یک جامعه محسوب می‌شود و دین اسلام نیز برای این موضوع اهمیت بسیاری قائل است به گونه‌ای که قرآن، پیامبر (ص) را به عنوان سرمشقی نیکو معرفی می‌کند و همچنین یکی از اهداف بزرگ بعثت پیامبر (ص) را آموزش حکمت و تزکیه می‌داند. «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره: ۱۲۹) از این رو مسلمانان شناخت جنبه‌های گوناگون زندگی پیامبر (ص) را مورد توجه قرار داده‌اند. این نوشتار سعی دارد که با توجه به آیات قرآن و مباحث تاریخی سیره اخلاقی پیامبر (ص) را در جنگها مورد بررسی قرار بدهد. در واقع باید گفت که رفتار رسول خدا جلوه‌های زیبایی در جنگ‌ها داشت به گونه‌ای که پیامبر (ص) دارای اخلاق نیکو معرفی شده است { وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ } (قلم: ۴) و توصیف اخلاق پیامبر (ص) در این آیه با کلمه عظیم نشان دهنده عظمت فوق العاده اخلاق آن حضرت می‌باشد. در مورد رحمت و مهربانی پیامبر (ص) در قرآن آمده است: { وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ } (انبیاء: ۱۰۷) با توجه به این آیه رحمت وجود پیامبر (ص) شامل همه انسان‌ها اعم از پیروان توحیدی و غیر توحیدی می‌گردد و همچنین علاوه بر انسان‌های نیکوکار؛ انسان‌های گناهکار را نیز شامل می‌شود. در واقع این رحمت قطع‌شدنی نیست و استمرار دارد و در همه زمان‌ها و شامل همه انسان‌ها می‌گردد.

اخلاق یکی از صفات پسندیده ادیان و آیین‌های الهی در طول تاریخ بوده است و اسلام به اخلاق توجه ویژه کرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فلسفه بعثت خود را مکارم اخلاق می‌داند. لذا خداوند اخلاق را بستر رشد و تعالی ادیان قرار داد. در صدر اسلام در این خصوص دو رویکرد قدیم - قبل از ظهور اسلام - و اخیر - بعد ظهور اسلام - وجود داشت، قدیم آن که به دوره جاهلیت در جزیره العرب بر می‌گردد اخلاق ناپسند و دون‌شان انسانیت رواج داشته است. و دوره اخیر آن یعنی بعد از ظهور اسلام، با شکل‌گیری فرهنگ و تمدن نوین اسلامی، رویکردی کاملاً متفاوت در حوزه اخلاق حتی در عرصه جنگ نمایانگر شد که تبلور آن در وجود مبارک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ظهور داشت. اخلاق در موقعیت جنگ، بیانگر نگاه و رویکرد رهبران مکتب به مسأله اخلاق می‌باشد. و اگر در جنگ مسائل اخلاقی رعایت بشود در نهادینه شدن اخلاق در جامعه به مراتب اثربخش‌تر و مفیدتر خواهد بود. بنابر این پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین (ع) تا زمان امام حسین (ع) آغاز به جنگ را اخلاقی نمی‌دانستند و لذا هرگز آغازگر جنگ بلکه همواره به نصیحت و ارشاد و تذکرات اخلاقی می‌پرداختند. از این رو در این نوشته به این مسأله پرداخته می‌شود که پیامبر (ص) در هنگام جنگ‌ها چه رویکردهای اخلاقی را سرلوحه کار خود قرار می‌دادند.

جنگ‌های پیامبر (ص)

تعداد ماموریت‌های نظامی که پیامبر (ص) خودشان در آن حضور داشته‌اند را غزوه نامیده و در برخی نیز پیامبر (ص) حضور نداشته‌اند که آنها را سربیه می‌نامند. قرآن کریم در موارد بسیاری از جنگ‌های مختلف پیامبر (ص) آیاتی را ذکر کرده است و به صورت مستقیم به جنگی اشاره دارد. این آیات لحظات بسیار سختی که بر پیامبر (ص) و یاران او گذشته را ترسیم می‌کند و این را یادآوری می‌شود که خداوند مسلمانان را بسیار یاری کرد و به صورتی معجزه‌گونه آنها را همراهی نموده است. در این مورد در آیه ۲۵ سوره مبارکه توبه آمده است { لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلِمَ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَ لَّيْتُمْ مُذْبِرِينَ }^۱ در بخش دیگری از آیات قرآن به سرزنش افرادی می‌پردازد که از جنگ‌ها گریختند و یا اینکه از فرمان خداوند مبنی بر عزیمت به جنگ اطاعت نمی‌کردند. در دسته دوم آیات باید گفت که به صورت غیر مستقیم به جنگی اشاره دارد و مفسرین در

۱. قطعاً خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است، و در روز «حُنَيْن»؛ آن هنگام که شمارِ زیادتان شما را به شگفت آورده بود، ولی به هیچ وجه از شما دفع خطر نکرد، و زمین با همه فراخی بر شما تنگ گردید، سپس در حالی که پشت به دشمن کرده بودید برگشتید.

مورد آن بحث‌هایی را ارائه داده‌اند. تاریخ نیز حکایت اخلاق پیامبر را بسیار نقل کرده است و در کتب تاریخی موارد بسیاری از رفتارهای اخلاقی که پیامبر (ص) در هنگام جنگ‌ها رعایت می‌نمودند را بیان کرده است. در واقع باید گفت که جنگ ایمان و عقیده وجود ندارد و محال است زیرا نزع عقیده‌ها و ایمان‌ها نزاعی معرفتی، فکری و علمی است که به شمشیر و کارزار نیازی نیست بلکه به بحث و گفتگو و تفکر نیاز دارد. بنابراین در مورد جنگ‌هایی که بین پیامبر(ص) و گروه‌های دیگر اتفاق افتاد و حتی درگیری‌های جزئی آن حضرت؛ برای دفاع از خود و یارانش بوده است. از آیه‌های قرآن که جنگ و جهاد را به مثابه دفاع تجویز کرده‌اند از یک سو و همچنین سیره پیامبر(ص) و تاریخ می‌توان نتیجه گرفت که تمام جنگ‌های پیامبر(ص) جنبه دفاعی داشته‌اند (بلاغی، ۱۳۵۲ق، ۲۱۲؛ رشیدرضا، بی تا، ۲/ ۲۱۵). و هیچ جنگی برای مسلمان کردن مردم اتفاق نیفتاده است، به این دلیل که اسلام و ایمان، به عقیده و معرفت نیاز دارد و با جنگ و خونریزی و با بی‌اخلاقی به نتیجه‌ای نمی‌رسد. (لسانی فشارکی، ۱۳۸۰، ۷۶-۷۷).

اخلاق پیامبر(ص) در جنگ‌ها

دین اسلام اهمیت بسیار زیادی به رعایت اصول اخلاقی قائل هستند و در آیه ۱۲۹ سوره بقره آمده است {رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} یکی از دلایل بعثت پیامبر مسائل اخلاقی است که با آموزش کتاب و حکمت؛ مردم را از بدی‌ها و رفتارهای زشت برحذر می‌دارد. از این رو پیامبر(ص) باید اسوه کامل اخلاق و مکارم اخلاقی باشد و در همه اوضاع و شرایط به گونه‌ای برخورد کند که اصول تربیتی و اخلاقی را برای مسلمانان آموزش دهد (سیدبن قطب، ۱۴۱۲، ۱/ ۱۱۶). یکی از مواردی که پیامبر(ص) در طول دوران عمر خود سعی بر این داشتند تا سجایای اخلاقی را رعایت کنند در زمان‌های جنگ بوده است که در تاریخ و سیره و قرآن به این اصول به صورت مستقیم و در مواردی غیر مستقیم اشاره شده است.

۱. بررسی اخلاق جنگی پیامبر (ص) در منابع تاریخی

۱-۱. دعوت به صلح و آرامش به وسیله جلوگیری از جنگ در ماه‌های حرام

یکی از شرایطی که برای جنگ وجود دارد این است که در ماه‌های حرام جنگ منع شده است. تحریم جنگ در ماه‌های حرام یکی از طرق پایان دادن به جنگ‌های طولانی مدت و وسیله‌ای برای دعوت به صلح و آرامش بود، زیرا هنگامی که جنگجویان چهار ماه از سال،

۱. پروردگارا، در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان

بیاموزد و پاکیزه‌شان کند، زیرا که تو خود، شکست‌ناپذیر حکیمی

اسلحه خود را به زمین بگذارند، فرصتی برای تفکر و اندیشه در یک فضای آرام و به دور از جنگ به وجود می‌آید که زمینه‌ای مناسب برای پایان یافتن بسیاری از جنگ‌ها را فراهم می‌سازد. یکی از سرب‌ها به نام سرب‌ه عبدالله بن جحش بدین گونه بود که هنگامی که پیامبر از بدر اول برگشت به عبدالله بن جحش فرمود فردا با اسلحه خود بیا تا تو را به جایی روانه کنم. عبدالله با تمام تجهیزات به هنگام نماز صبح بر پیامبر حاضر شد. حضرت او را به همراه عده‌ای دیگر روانه ماموریتی اطلاعاتی کرد. پس از دو روز پیاده روی با باز کردن این نامه که به تو می‌دهم طبق آن عمل کن و هیچ کس را به همراهی خود مجبور نکن (یعقوبی، ۱۳۸۹، ۶۹/۲) عبدالله با خواندن دستور پیامبر به همراهان اعلام کرد که هر کس برای شهادت آمادگی دارد بیاید و گرنه اجباری در همراهی نیست و همه گفتند ما در این سفر همراه تو هستیم. عبدالله در روز آخر رجب با وارد شدن در نخيله کمین کرد. کاروانی از قریش به سرکردگی عمرو بن حزمی از تجارت طائف به مکه بر می‌گشت عبدالله و همراهان می‌خواستند که به کاروانیان حمله کنند ولی چون آخر ماه رجب بود با خود گفتند که اگر اینان وارد حرم بشوند جنگ با آنان به احترام حرم جایز نیست و اگر در اینجا با آنان جنگ کنیم که حرمت ماه حرام را شکسته ایم. سرانجام به کاروان حمله کرده و واقد بن عبدالله تمیمی با پرتاب تیری به سمت عمرو بن حزمی او را کشت و دو نفر از آنها را اسیر کردند و با گریختن نوفل بن عبدالله به سوی مکه عبدالله بن جحش و همراهانش با اسیران و غنائم کاروان قریش به مدینه بازگشتند (بلاذری، ۱۹۹۸، ۳۷۲/۱).

پیامبر از اقدام خودسرانه عبدالله و همراهانش بسیار ناراحت شد و از تحویل گرفتن اسیران و غنائم کاروان قریش خودداری کرد و به آنها فرمود: «من نگفته بودم که در ماه حرام جنگ نکنید؟» عبدالله و همراهانش مورد سرزنش قرار گرفتند و قریش با بهره‌برداری تبلیغاتی از این جریان می‌گفتند محمد با حرمت شکنی این ماه حرام و خونریزی در آن اموال مردم را گرفته است (طبری، ۱۳۶۳، ۴۰۲/۲).

۱-۲. توبیخ و اعتراض

در سال هفتم هجری که پیامبر از جنگ احد بر می‌گشت؛ یسار غلام پیامبر به او عرض داشت قبیل‌ه بنی‌ عبدمن ثعلبه در فکر حمله به مدینه هستند، از شما تقاضا دارم که گروهی را به همراه من برای جلوگیری از حمله به سوی آنان اعزام فرمایید (واقعی، ۱۳۶۱، ۷۲۶/۲) رسول خدا گروهی را به فرماندهی غالب بن عبدالله به سوی قبیل‌ه بنی‌ عبد اعزام کرد. سپاه مسلمانان در بین راه به مسیری برخورد کردند که سیل آن را به تازگی تغییر داده بود. پس از آن یسار خبر از نزدیک شدن به قبیل‌ه دشمن را داده بود. غالب بن عبدالله به او گفت که مایل است با توقف سپاه در همان مکان برای کسب اطلاع از موقعیت دشمن به جلو حرکت کند (همان، ۷۲۶/۲).

۳-۱. رحمت پیامبر(ص) نسبت به اسرای بدر

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به اسرای بدر رحمت و عطفیت داشتند بدین صورت که در نتیجه مشورت با صحابه مقرر شد اسرا در ازای پرداخت فدیة بخشیده شوند که البته این رفتار با سرشت و اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سازگار بود (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۷/ ۱۰۷؛ مسلم، ۲۰۰۶، ۲/ ۹۳۹). پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از پیروزی در جنگ، خوشحال بود و اسرای بدر در زندان‌ها محبوس بودند؛ اما شب که حضرت بی خواب شده بود و اصحاب علت را جویا شدند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پاسخ دادند: صدای عمویم عباس را از زندان می شنوم. به همین جهت عباس را به جهت ایشان آزاد کردند (بیهقی، ۱۳۴۴، ۹/ ۶۵)

یکی دیگر از اسیران بدر سهیل بن عمرو از خطیبان و سخنوران بود. عمر به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیشنهاد داد اگر زبان او را از حلقومش بیرون کنید دیگر هیچ خطیبی علیه شما سخنرانی نمی کند (واقدی، ۱۹۸۹، ۳۶۵) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این کار نادرستی است و من هیچ انسانی را مثله نمی کنم و خداوند کسی را که چنین کاری را بکند مورد مجازات قرار می دهد هر چند عامل به این کار پیامبر باشد. (ابن هشام، بی تا، ۱/ ۶۴۹؛ طبری، ۱۳۸۷، ۲/ ۴۶۵).

۴-۱. رحمت پیامبر نسبت به خانواده شهدا

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خانواده های شهدا برخورد همراه با رحمت و عطفیت داشت. بر این اساس حضرت عمه اش صفیه را از دیدن جنازه برادرش حمزه که در جنگ احد کشته شده بود منع کردند؛ چرا که زنان قریش جنازه پاک حمزه را مثله کرده و مرتکب اعمال ناروا شده بودند. این نوع برخورد از پیامبر در مورد شهدای صحابه نیز صورت گرفت. به همین دلیل بود که پیامبر به جای این که اجساد را به نزد خانواده های آنها ارسال کند دستور داد که آنها را دفن کرده و بعد از این که خاکسپاری صورت گرفت به خانواده های آنها اجازه داد که در جایی که اصحاب به شهادت رسیده اند، حضور پیدا کنند. این کار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به این جهت صورت پذیرفت که از پراکنده شدن بدن های پاک شهدا جلوگیری شود و اندوهی که شهدا داشتند به دلیل دیدن جسدهای شهدایشان بوده است به همین جهت حضرت دستور می دادند شهدا را در همان جای معرکه دفن کنند (أبو زهره، ۱۹۷۹، ۲/ ۷۲۲-۷۲۳).

۵-۱. احسان به مخالفین

داشتن احسان و نیکوکاری از جمله ارکان اصلی و اساسی در مباحث اخلاقی است. (بخاری، ۲۰۰۶، ۱۶/۱ حدیث ۵۰) که در مورد آن دو معنا وجود دارد: نیکی و خیر رساننده به

دیگران و انجام دهنده اعمال و رفتارهای صالح و نیک. (اصفهانی، ۱۹۹۲، ۲۳۶).

در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ‌ها مسأله احسان به هر دو صورت عملی شد: پیامبر با اولین منافق در اسلام با احسان برخورد نمود که این از نمونه های عالی در اخلاق نبوی است. عبدالله بن ابی اولین منافق اسلام برای تضعیف موقعیت پیامبر بسیار تلاش می نمود از این رو سعی داشت که روحیه صحابه و مخصوصا مهاجران را ضعیف نماید؛ هنگامی که سوره منافقون در مذمت رفتار عبدالله بن ابی نازل شد پس او عبدالله بن عبدالله بن ابی که تحت فرمان پدرش بود به نزد پیامبر رفت و به او گفت: اگر شما بخواهید من حاضر هستم حتی سر پدرم را برای شما بیاورم. همه خزرچی ها می دانند که هیچ کس از من نسبت به پدرش احسان گر تر نبود ولی من می ترسم روزی برسد که شما کس دیگری را برای کشتن پدرم بفرستید و من قاتل پدرم را با چشمان خود ببینم و در این صورت نتوانم خودم را کنترل کنم و تحمل دیدن او را نداشته باشم و این موجب گردد که مسلمانی را رها کنم و کافر گردم و این موجب گردد که داخل در دوزخ شوم. پیامبر فرمودند: «نه! بلکه تا زمانی که با ماست با وی نرمی و مدارا نموده، به نیکوئی رفتار می نمایم». (ابن هشام، بی تا، ۲/ ۲۹۳؛ طبری، ۱۹۶۷، ۲/ ۶۰۸).

۱-۶. پیشتاز بودن پیامبر در نبرد

در همه نبردها پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خودشان پیشتاز بوده و مقدم بر دیگر مسلمانان به نبرد می پرداختند. در اولین جنگی که بین اسلام و مشرکین اتفاق افتاد یعنی جنگ بدر که در سال دوم هجری بود پیامبر زودتر از بقیه سپاه حرکت کردند؛ به گونه ای که زودتر از مشرکین به چاههای بدر رسیدند و در میدان نبرد در کنار مسلمانان و حتی پیشتاز آنها در حال جنگیدن بودند. از علی (ع) روایت شده که فرمودند: «اگر ما را در روز جنگ بدر می دیدی که در سخت ترین لحظات به وجود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پناه می بردیم در حالی که او نزدیکترین فرد ما به دشمن بود و در جنگ از همه جدی تر و شدیدتر بودند».

در جنگ احد تعداد مشرکین بسیار زیاد و چندین برابر مسلمانان بودند. پیامبر مبارزه بسیار سختی کرد به گونه ای که مسلمانان در حال فرار و از کوه احد بالا می رفتند تا جان خود را نجات بدهند همچنان پیامبر به جدیت می جنگید و شجاعت بسیاری از خود نشان داد (واقعی، ۱۹۸۹، ۲۵۱/۱) در این جنگ شرایط اینگونه شد که دو سپاه از هم جدا شدند و ترس از بازگشت سپاه مشرکان وجود داشت ولی پیامبر به جنگجویان دستور داد که آماده برای قتال باشند و در این هنگام که قریش از آماده شدن مسلمانان برای حمله اطلاع یافتند آنها از حمله کردن منصرف شدند (طبری، ۱۹۹۷، ۲/ ۷۵۰).

۱-۷. آمادگی همیشگی

از جمله ویژگی‌های برجسته پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ‌ها این بود که همیشه آمادگی برای دفاع داشتند هنگامی که جنگ بنی قریظه صورت گرفت و سپاه اسلام در حال خارج شدن برای رویارویی با یهود بنی قریظه بودند پیامبر نخستین کسی بود که آماده نبرد شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زره و مغفر و کلاه بر تن کرده و نیزه‌ای به دست گرفت، و سپر برداشت، و بر اسب خود سوار شد. یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که لباس جنگ پوشیده و بر اسب‌های خود سوار شده بودند، گرد پیامبر را گرفتند» (واقعی، ۱۹۸۹، ۴۹۷/۲).

در روز نبرد حنین پیامبر سوار بر اسب سفیدی بودند که نشانه شجاعت ایشان بود چرا که چنین اسبی در برابر اسب‌های جنگی کم سرعت بود در حالی که در چنین مواقعی فرماندهان بهترین اسب‌ها را سوار می‌شوند که هر گاه احساس خطر کردند بتوانند به سرعت فرا کنند. (مسلم، ۲۰۰۶، ۹۴۷/۲) در این جنگ و هنگامی که درگیری شروع شد مسلمانان با تیرهای بسیاری برخورد کردند به همین دلیل فقط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میدان جنگ باقی ماند و در جایی که مسلمانان در حال فرار بودند پیامبر به آنها فرمود ای یاران خدا و ای یاران رسول خدا! من بنده و رسول خدایم و پایدار و شکیبا ایستاده‌ام. سپس آن حضرت با حربه خود پیشاپیش همه حمله کرد و خداوند متعال دشمن را شکست داد (بخاری، ۲۰۰۶، ۶۳۲/۲، حدیث ۳۰۲۴).

۱-۸. بردباری پیامبر با مشرکین

قریشیان از این که پیامبر و مسلمانان به مکه آمده بودند در محذور بودند آنها فردی از بین خود را که به شجاعت معروف بود به همراه ۵۰ نفر از سوارکاران خود مأمور کرد تا در اطراف لشکر اسلام بروند و اگر توانستند تعدادی از آنها را دستگیر کنند و به نزد قریشیان ببرند تا او را به عنوان گروگان بگیرند تا از این طریق بتوانند پیشنهادات خود را به آنها تحمیل کنند اما این گروه نه تنها نتوانستند این کار را انجام بدهند خوششان نیز به دست مسلمانان افتادند. هنگامی که پیامبر از این کار مطلع شد و اسراء را به نزد پیامبر بردند چون پیامبر مأموریت به جنگ نداشت دستور داد که آنها را آزاد کنند و با این که آنها به سوی مسلمانان تیراندازی کرده بودند اما به دستور پیامبر همه آنها آزاد شدند و بازگشتند (طبری، ۱۹۶۷، ۲۶/۳؛ یعقوبی، بی تا، ۵۴/۲؛ واقعی، ۱۹۸۹، ۶۰۲/۲).

در سال فتح مکه پیامبر با این که آزار و اذیت‌های بسیاری از مشرکان و دشمنان دیدند آنها را در هنگام فتح مکه با بزرگواری بسیار بخشیدند. یکی از افراد بسیار خشن در بین مشرکین هبار بن اسود بود که به دلیل آزار و اذیت‌های بسیاری که در مکه انجام داده بودند هر موقع

نامی از او برده می شد پیامبر شدیداً ناراحت می گشت و هر گاه حضرت سربیه ای را می فرستادند دستور می دادند اگر بر هبار دست یافتید دستان و پاهایش را قطع کنید و گردنش را بزنید. این فرد اینقدر با خشونت برخورد می کرد که با نیزه به زینب دختر پیامبر حمله ور شده و او که حامله بود را چنان ترسانده بود که سقط جنین کرد (مهدهوی دامغانی، ۱۳۶۱، ۳۱۶/۲؛ رسولی، ۱۳۷۵، ۸۳؛ واقدی، ۱۳۶۱، ۵۲/۲).

هنگامی که مکه به دست پیامبر فتح شد همین هبار به نزد پیامبر آمد و عذرخواهی نمود و پیامبر در حالی که او را نگاه می کرد گفت تو را بخشیدم. حلم و بردباری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زاید الوصف بود و با این که هبار مسلمانان و خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بسیار اذیت کرده بود و موجب سقط جنین و مرگ دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شده بود، با این وجود وی را بخشیدند. (واقدی، ۱۹۸۹، ۸۵۸/۲-۸۵۹) فرد دیگری که مورد حلم پیامبر قرار گرفت وحشی بود که در جنگ احد نیزه ای را از پشت به حمزه عموی پیامبر زده و موجب شهادت ایشان گشت. پیامبر دستور داد که او را به قتل برسانند اما او از مکه فرار کرد و سپس به همراه وفد در طائف به نزد پیامبر آمد و اظهار نمود که مسلمان شده است و پیامبر نیز او را بخشید و پذیرفت (واقدی، ۱۹۸۹، ۸۶۳/۲).

۹-۱. تواضع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر انسانی بسیار متواضع بود. در این مورد نمونه هایی وجود دارد: پیامبر در جنگ بدر که تعداد مرکب های آنها برای جنگیدن فقط دو اسب و ۷ شتر بود و مسلمانان به نوبت بر آن سوار می شدند و سهم پیامبر با امام علی (ع) و مرثد بن ابی مرثه یک رأس شتر بود. به همین دلیل در بین مسیر؛ عده ای پیاده و عده ای دیگر به استراحت می پرداختند و هنگامی که در میانه راه قرار داشتند دو یار او گفتند که ما پیاده روی می کنیم. ایشان نپذیرفت و از این کار مستأثر نبود. (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۱۳۴/۷؛ مقدسی، بی تا، ۱۸۷/۴؛ ابن حنبل، ۷، ۱۱۱-۱۱۲، طبرسی، ۱۳۹۰، ۷۵).

۱۰-۱. غذا دادن پیامبر به سربازان

یکی دیگر از فعالیت های پیامبر که نشان دهنده تواضع ایشان است توزیع غذا با دستهای خود در بین سربازان بود. در جنگ احزاب پیامبر مسلمانان را فرا خواند که غذا بخورند؛ حضرت شخصاً نان را تکه تکه کرده و لقمه گرفته و به یاران خود می دادند (مقریزی، ۱۹۹۹، ۱۵۴/۵؛ بیهقی، ۱۹۸۵، ۴۲۴/۳؛ بخاری، ۲۰۰۶، ۸۴۵/۲).

۱-۱۱. تواضع به هنگام پیروزی در جنگ

هنگامی که مکه فتح شد؛ پیامبر در حالی که یک عمامه سیاه بر سرش بود و پرچم بزرگی در دست داشتند وارد شهر شدند. آن حضرت در ذی طوی میان مسلمانان ایستاد و سر خود را به علامت فروتنی برای خداوند متعال چنان پایین آورده بود که ریش آن حضرت با لبه زین مماس و یا نزدیک به آن بود و سپاه فتح مکه و کثرت مسلمانان را داشت. سپس فرمود: «همانا زندگی واقعی زندگی آن جهانی است». (مقریزی، ۱۹۹۹، ۳۸۴/۱؛ واقدی، ۱۹۸۹، ۸۲۴/۲).

۱-۱۲. منع سلاح‌های کشتار جمعی

پیامبر خدا استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را ممنوع می‌دانست. درباره حکم «المحاربة بالقاء السم» آمده است که علی (ع) می‌فرماید پیامبر از ریختن سم در سرزمین مشرکان نهی فرمودند. زیرا خداوند متعال شب را وسیله آرامش و استراحت موجودات قرار داده است. سپس فرمودند: «هرگز آب مشرکان را زهر آلود نکنید (حلبی، ۱۴۱۷ق، ۱/ ۴۶-۴۷).

۱-۱۳. جلوگیری از مثله کردن اجساد

در مورد جنگ، اسلام بر این موضوع تاکید دارد که از مثله کردن اجساد باید خودداری شود و همه علما نیز از این کار منع کرده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگام ورود به جنگ‌ها به یاران خود توصیه می‌کردند که از مثله کردن اجساد خودداری کنند و امیرمؤمنان در جنگ‌ها توصیه می‌فرمودند: «عورتی را اظهار و کشته‌ای را مثله نکنید» امام صادق (ع) فرمود: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماندهی را با لشکری گسیل می‌داشت، می‌فرمود کشتگان را مثله نکنید و گوش و بینی و انگشتان آنان را نبرید (طباطبایی، ۱۳۶۰ش، ۴۱).

۱-۱۴. مصون داشتن زنان و کودکان

موارد بسیار زیادی در منابع اسلامی نقل شده است که پیامبر در هنگام جنگ از زنان حمایت می‌نمودند. در این مورد نمونه‌هایی وجود دارد از جمله این که: در روز اوطاس پیامبر بر زنی گذشت که خالد بن ولید او را کشته بود. پیامبر پرسید او چه کسی است؟ پاسخ دادند که او زنی است که خالد او را کشته است. پیامبر در پی خالد فرستاد و به او خبر داد که پیامبر او را از کشتن کودک و زن باز داشته است (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲/ ۴۵۷).

۱-۱۵. ممنوعیت در سوزاندن اجساد

از جمله حقوق بشر دوستانه‌ای که پیامبر آن را رعایت می‌کردند این بود که بعد از کشتن شدن دشمن از سوزاندن اجساد آنها خودداری می‌کردند. در این مورد آمده است که پیامبر دستور داد که اگر به فلانی دست پیدا کردید او را بکشید ولی حق ندارید که او را بسوزانید. کسی حق عذاب با آتش را ندارد مگر کسی که خالق آتش است (نسائی، ۱۴۲۱، ۲۷/۹).

۱-۱۶. ممنوعیت خفه کردن

گاهی غیر مسلمانان در جنگ که قرار می گرفتند برای کشتن افراد هر کاری می کردند و لی پیامبر از برخی از کارها منع می نمود. مثلا در روایات آمده است که از خفه کردن افراد در جنگ نهی شده است. پیامبر در این مورد فرمود: «اغزوا و لا تفلوا» یعنی بجنگید ولی کسی را خفه نکنید» (بروجردی، ۱۳۶۸، ۱۱۶/۱۳).

تحلیل تاریخی موضوع

هنگامی که پیامبر (ص) در جزیره العرب مبعوث گشت عرب بدوی به دلیل داشتن تعصب بی مورد نسبت به قبیله خود به هر کاری دست می زدند و رفتار آنها با یکدیگر از روی تعصب بود. به عنوان نمونه اگر به یکی از اعضای قبیله آنها اهانت می شد به این معنا بود که به همه قبیله اهانت شده است از این رو همه نیروی خود را جمع می کردند تا لکه ننگ را از خود بزایند. ظهور اسلام در این شرایط عرب، برای گسترش خوی های پاک و رشد و برتری اخلاقی بود. پس از بعثت پیامبر، ایشان از برابری بین انسان ها؛ هدفمندی از زندگی؛ یکسانی همه انسان ها در پیشگاه خداوند سخن گفت همچنین بر روی تفاخرات و امتیازات قومی و قبیله ای و فضیلت و تقوا سخن می گفت که برخی از این پیام ها با هنجارهای ریشه دار در فرهنگ عرب جاهلی در تضاد بود و سازگاری نداشت. از این رو موجب گشت که برخی از افراد نتوانند اسلام و پیام های پیامبر (ص) را بپذیرند و به مقابله و مبارزه با حضرت بر آمدند. اسلام در مورد مسائل اخلاقی این را مد نظر داشت که اخلاق بر پایه خودشناسی و احساس کرامت بنا شده است. در واقع ملتی که دچار احساس حقارت شود و به جای این که ارزش های خود را محور قرار بدهد ارزش های دیگران در نگاه او ارزشمند جلوه کند به تدریج هویت و کرامت خود را از دست خواهد داد.

مخالفت هایی که با پیامبر (ص) شکل گرفت جنگ های بسیاری را در پی داشت و پیامبر (ص) جنگهای بسیاری را فرماندهی کردند و اینکه ایشان فرماندهی، شایسته باشد نیاز به این دارد که از شرایط و صفاتی از جمله اخلاق عالی و صفات برتر عقلی برخوردار باشد. موصوف بودن پیامبر (ص) به اخلاق عالی از ایشان یک فرمانده موفق ساخته بود به طوری که در جنگ ها علاوه بر این که اصول جنگی را رعایت می نمودند و مدیری موفق بودند اصول انسانی و اخلاقی را نیز در جنگها رعایت می کردند.

جنگ های پیامبر (ص) جنبه دفاعی داشته و ایشان به جهت دفع کید دشمنان و مقابله با کسانی که آماده جنگ با حضرت بودند، به رویایی با آن ها می پرداختند. در هیچ یک از این هجومها حضرت ابتدا به جنگ نکرده است. با توجه به سیره عملی پیامبر (ص) در هنگام بروز جنگ ها می توان نتیجه گرفت که مهمترین عنصر و شرط آغاز جنگ در اسلام داشتن یک هدف صحیح و عادلانه است. جنگ یک مفهوم مقدس دارد که نه تنها پاداش های دنیوی بلکه

اجر اخروی نیز برای آن در نظر گرفته می‌شود. جنگ‌های پیامبر منطبق با این مفهوم یعنی جهاد فی سبیل الله بود و جهادی مقدس است که در راه نجات بندگان و زنده کردن اصول حق و پاکی و تقوا باشد و توسعه طلبی و توحش در آن نباشد.

هدف اصلی که در جنگ‌ها مورد نظر بود کشورگشایی نبود بلکه در مرحله اول ترویج اسلام و هدایت انسان‌ها و نجات مستمندان از ظلم و ستم بود. از این رو بیشتر تلاش پیامبر این بود که از طریق نوع رفتار و مسائل اخلاقی این هدف را دنبال کند. جوامعی که مغلوب شده بودند به محض مشاهده رفتار انسانی و عقاید عقلانی مسلمانان، دست از مبارزه می‌کشیدند و برخی بلافاصله اظهار اسلام می‌کردند و جمعی که بر عقایدشان پابرجا می‌ماندند، تحت حکومت اسلامی حقوقشان محترم بود. از این رو اسلام با تسخیر دل‌ها و با عدالت‌گستری و به صورتی مسالمت‌آمیز در میان جوامع مختلف مورد پذیرش قرار گرفت نه با زور و شمشیر و در واقع این اهداف بود که موجب گشت پیامبر(ص) در هنگامه جنگ از اخلاق متعالی استفاده کند.

۲. جنگ‌های مذکور در قرآن

منظور از مذکور بودن در قرآن این است که نام این جنگ‌ها در آیات به صورت مستقیم ذکر گردیده است.

۲-۱. جنگ بدر

اولین جنگ پیامبر با مشرکان و یکی از مهمترین آنها جنگ بدر است که در جمادی الاول سال دوم هجرت اتفاق افتاد. در حالی که کفار و مشرکان مکه و قریش به شکنجه و آزار مسلمانان می‌پرداختند و حتی اموال مسلمانانی که به یشرب مهاجرت کرده بودند را نیز در دست داشتند و حتی حق دست‌یابی به املاک خود را نداشتند این جنگ بین مشرکان و پیامبر(ص) اتفاق افتاد (واقعی، ۱۳۶۹ ش، ۱۵). در این مورد قرآن می‌فرماید: **﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾** (آل عمران: ۱۲۳).^۱ در زیر اصول اخلاقی پیامبر در جنگ بدر ذکر می‌گردد:

۲-۱-۱. پیش‌قدم نشدن پیامبر(ص) برای شروع جنگ

در این جنگ مشرکان پیش‌قدم شدند و با این که مسلمانان آماده جنگ بودند اما شمشیرهای خود را نکشیدند و پیامبر(ص) دستور داده بود که تا محاصره نشوند شمشیرهای خود را نکشند و برای اولین بار اسودبن عبدالاسد مخزومی بر مسلمانان تاخت (سید بن قطب، ۱۴۱۲، ۵۰/۱). در این جنگ از جمله مبانی اخلاقی پیامبر رحمت و عطف و مهربانی بود که پیامبر در

۱. و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر - با آنکه ناتوان بودید - یاری کرد. پس، از خدا پروا کنید، باشد که سپاسگزاری نمایید.

برخورد با اسرای جنگ بدر رعایت کردند و اسرا را در ازای پرداخت فدیة بخشیدند. (بیهقی، ۱۳۴۴، ۶۵ / ۹).

۲-۱-۲. بالا بودن ارزش معنوی

یکی از صفات پیامبر اکرم(ص) تقوایی بود که ایشان در هنگام حضور در جنگ‌ها داشتند. پیروزی که در جنگ بدر نصیب مسلمانان شد یک معجزه بود. این پیروزی بدون هیچ ابزار مادی صورت گرفت زیرا کفّه جنگ میان مومنان و مشرکان نه تنها برابر نبود بلکه به برابری نزدیک هم نبود. مشرکان با ساز و برگ و توشه بسیار بیرون آمده بودند و در طرف دیگر مومنان قرار داشتند که هنوز در بین جزیره العرب ریشه ندوانده بودند (سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، ۱ / ۶۹۸-۶۹۹).

۲-۱-۳. مهربانی با سپاهیان و عطوفت نسبت به آنها

در هنگامه جنگ بدر پیامبر(ص) از سر رحمت و عطوفت با سپاهیان خود و در مواردی با اسرای جنگی برخورد می کردند. در آیه ۱۵۹ آل عمران آمده است: { فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْ تُدْرِكُوا الْبُرْجَانَظَرَ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِئَةً غَلِيظَةً لَاقْتَضُوا مِنْ حَوْلِكُمْ } صاحب تفسیر فی ظلال در این مورد آورده است که رسول خدا مهربان است و از پیروان خود چیزی به دل ندارد با اینکه آنها در حالی که شور بزم و جنگیدن را در سر داشتند ولی سست شدند و صفهایشان پراکنده شد و یک سوم آنها پیش از آغاز جنگ برگشتند و دسته ای نیز از فرمان پیامبر(ص) سرکشی کردند. قرآن رو به آنها می کند و شفقت و مهربانی پیامبر را یادآور می شود و رحمتی که در اخلاق بزرگوارانه و مهربانانه او مجسم است را نشان می دهد(همان، ۵۰۰).

۲-۱-۴. گذشت و عفو

یکی از مبانی اخلاقی بارز پیامبر(ص) گذشت و عفو او در میدان جنگ است که گاهی یارانش دست به کار ناشایستی می زدند و پیامبر عفو و بخشش نسبت به آنها داشتند و در مواردی دشمنان و اسرا بودند که پیامبر(ص) با بزرگواری آنها را مورد بخشش قرار می دادند. (سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، ۱ / ۷۵۱). قرآن در ادامه آیه ۱۵۹ آل عمران می فرماید: { فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ }^۱

۲-۱-۵. جرأت حضور در میدان جنگ

با این که تعداد نیروهای جنگی پیامبر(ص) بسیار اندک بود ولی زیادی نیروی مشرکان در چشم پیامبر(ص) نیامد و ایشان جسارت حضور در میدان جنگ بدر را داشتند. { إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا وَ لَوْ أَرَأَوْهُمْ كَثِيرًا لَفَتَسَلْتَهُمْ وَ لَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ

۱. پس، از آنان در گذر و برایشان آموزش بخواه، و در کار با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.

الصُّدُورِ * وَ إِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّقِيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلاً وَ يُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ } (انفال: ۴۳ و ۴۴) با توجه به این آیه مشرکان در خواب به پیامبر (ص) اندک نشان داده شدند و پیغمبر هم خواب خود را برای یارانش روایت می کند و یاران او از این خواب شادمان می گردند و برای ورود به پیکار دل و جرأت پیدا می کنند. (سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، ۳/ ۳۲۶).

۲-۱-۶. عدم غرور و تکبر

{ وَ إِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّقِيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلاً وَ يُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ } (انفال: ۴۴). خداوند در این آیه هشدار می دهد که پیامبر (ص) و مسلمانان نباید دچار غرور و تکبر گردند و باید از سرمستی و تکبر و غرور و خود بزرگ بینی و باطل گرایی دوری گزینند و از مکر و کید و نیرنگ برحذر باشند و تنها چیزی که آنها را به پیروزی می رساند توکل بر خداوند است. (همان، ۳/ ۳۲۳).

۲-۱-۷. رعایت عدالت در تقسیم غنائم

{ وَ إِذْ يَعْدِكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ * إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ } (انفال: ۷-۱۰) علامه طباطبایی در مورد این آیه آورده است که خداوند در این آیه نعمت‌ها و سنت‌های خود را برای مومنان برمی شمارد تا به بصیرتی برسند که خداوند اگر امر و حکمی به آنها می کند زمانی که آنها دارای بصیرت شدند دچار اختلاف نگردند و نسبت به آنچه که خداوند برای آنان مقدر کرده و پسندیده اظهار کراهت ننموده بلکه امر خود را به او محول نموده و او و رسول او را اطاعت می کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹ / ۲۰).

۲-۱-۸. صبر و استقامت

{ بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوَكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ } (آل عمران: ۱۲۵) از جمله ویژگی اخلاقی پیامبر (ص) این است که استقامت و تقوی به هنگام جنگها از خود نشان می دهد. در جنگ بدر پیامبر (ص) با صلابت و قدرت به سمت دشمن لشکرکشی می کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴/ ۶۴۹). یعنی هنگامی که مسلمانان

۱. و آنگاه که چون با هم برخورد کردید، آنان را در دیدگان شما اندک جلوه داد و شما را [نیز] در دیدگان آنان کم نمودار ساخت تا خداوند کاری را که انجام شدنی بود تحقق بخشد، و کارها به سوی خدا بازگردانده می شود.

۲. آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، و با همین جوش و خروش بر شما بتازند، همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

نمی‌دانستند که با چنین جمعیت زیادی روبرو می‌شوند و سلاحهای فراوانشان بر دوششان سنگینی می‌کرد. پیامبر(ص) در این شرایط آنچه را که خداوند به او پیام داده بود به گوش کاروانیان رساند و آنها را تشویق به این می‌کرد که گامهایشان را استوار کنند. علاوه بر این ویژگی شکیبایی و پرهیزگاری را نیز در این موقعیت رعایت می‌کردند به گونه‌ای که با وجود صدمات زیادی که بر ایشان وارد شده بود ولی صبر و تحمل را پیشه خود می‌ساختند (سید بن قطب، ۱۴۱۲ق، ۱/ ۷۰۰).

۲-۱-۹. بزرگ منشی پیامبر(ص)

{وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ} (انفال: ۳۳) این آیه اشاره‌ای به موضوع مشمولیت انسانها ائم از مومنان و مشرکان از وجود رحمت پیامبر است بدین گونه که پیامبر قبل از شروع جنگ به اصحابش فرمود که من افرادی از بنی هاشم و دیگران را می‌شناسم که تمایلی به جنگ با ما ندارند و درواقع پیامبر(ص) در آن شرایط هم به فکر افراد دشمن بوده و گروهی از آنها که از روی اجبار به جنگ آمده بودند را منع می‌کرد و به سپاهیانش توصیه می‌کند که آنها را نکشند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴/ ۶۴۹).

۲-۲. جنگ احزاب

نبرد احزاب در ۱۷ شوال سال پنجم هجری در یثرب میان مسلمانان و سپاهیان مکه تحت فرماندهی ابوسفیان رخ داد. رعایت اخلاق در این جنگ:

۲-۲-۱. عدم ترس پیامبر(ص)

{يَخْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْتَأْذِنُونَ عَنْ أُنْبِيَائِهِمْ وَ لَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا} (احزاب: ۲۰)^۲ در جنگ احزاب به دلیل هول و هراس زیادی که وجود داشت مسلمانان حتی بعد از جنگ هم؛ همچنان دچار رعب و وحشت بودند. سید قطب می‌گوید مسلمانان دچار حقارت شده و بعد از جنگ، هنوز هم به خود می‌لرزیدند و نمی‌پذیرفتند که احزاب رفته و میدان خالی گشته است و امنیت فرا رسیده است. قرآن به تمسخر این افراد ترسو می‌پردازد که اگر احزاب دوباره برگردند، این افراد می‌گویند ای کاش جزء اعراب بادیه‌نشین بودند و اهل مدینه نبودند و سرنوشتشان با اهالی آنجا گره

۱. و[لی] تا تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند، و تا آنان طلب آمرزش می‌کنند، خدا عذاب‌کننده ایشان نخواهد بود.

۲. اینان [چنین] می‌بندارند که دسته‌های دشمن نرفته‌اند، و اگر دسته‌های دشمن بازآیند آرزو می‌کنند: کاش میان اعراب بادیه‌نشین بودند و از اخبار [مربوط به] شما جويا می‌شدند، و اگر در میان شما بودند، جز اندکی جنگ نمی‌کردند.

نمی‌خورد. در واقع این سخن برای مبالغه در رهایی از هول و هراس‌ها است. ولی پیامبر(ص) همچنان مستحکم در جایی خود ایستادند و هیچ ترس و اضطرابی به خود راه ندادند (قطب، ۱۴۱۲ق، ۵، / ۲۸۴۲) در این شرایط پیامبر(ص) خدا با وجود هول و هراس بیشمار مسلمانان پناهگاه امن و امان آنان است و چون دارای امید و اطمینان به خداوند است ترس و هراسی به دل خود راه نمی‌دهد و این از ویژگی‌های بارز اخلاقی پیامبر اکرم(ص) است که در هنگام کارزار ملجأی امن برای پیروان خود بود (همان).

۲-۳. جنگ حنین

پس از فتح مکه توسط پیامبر در سال هشتم هجری. پیامبر(ص) دو هفته در مکه ماند و مالک بن عوف، قبیله‌های اطراف مکه را با خود همراه کرده تا به پیامبر(ص) و مسلمانان حمله کند. به ناچار پیامبر با عجله به فراهم کردن لشکری جهت دفاع پرداخت (طبری، ۱۳۷۵ش، ۱۳، / ۱۹۷). قرآن در این مورد می‌فرماید: {لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبْتَكُمْ كَثُرَتْكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمُ مُدْبِرِينَ} (توبه: ۲۵).

۲-۳-۱. شجاعت پیامبر(ص)

در این جنگ پیامبر دستور داد که زنان و فرزندان دشمن که اسیر شده بودند فوراً آزاد شوند. پیامبر در این جنگ بر اسب سفیدی سوار شده و با شجاعت در مقابل سپاه دشمن ایستادگی کردند. چنین اسبی سرعت بالایی نداشت و در مقابل نظامیان دشمن که سوار بر بهترین مرکب‌ها بودند بسیار ناچیز بود و این خود دلیلی بر شجاعت پیامبر(ص) است. (مسلم، ۲۰۰۶، ۲/۲۰۰۶). در همان جنگ در ابتدا با امواجی از تیر مواجه شدند و این موجب شد که آنها فرار کنند و تنها پیامبر(ص) بود که مقاومت کرد و از خود صبوری نشان داد و سپس پیامبر پیشاپیش همه حمله کرده و خداوند نیز او را یاری نمود. (واقعی، ۱۳۶۱، ۶۸۶).

۳. جنگ‌های غیر مذکور در قرآن

جنگ‌هایی هستند که به صورت مستقیم نام آنها در قرآن نیامده ولی آیات قرآن به صورت غیر مستقیم به آن جنگ‌ها اشاره دارد.

۳-۱. جنگ احد

جنگی بین مسلمانان و مشرکان در دامنه کوه احد رخ داد. مشرکان مکه پس از جنگ بدر به سرپرستی ابوسفیان از مدینه خارج شدند و خود را در کنار کوه احد رسانیدند. این جنگ در دو مرحله رخ داد که در مرحله اول قریش شکست خوردند و در مرحله دوم شکست نصیب مسلمانان شد. این جنگ در هفتم شوال سی و دومین ماه هجرت اتفاق افتاد و پیامبر اسلام و یارانش شکست خوردند (نمیری، ۱۴۱۰ق، ۱ / ۸۰). قرآن در مورد این جنگ می‌فرماید: {وَمَا أَصَابَكُمْ

يَوْمَ اتَّيَّ الْجَمْعَانِ فَبِأَذْنِ اللَّهِ وَ لِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ } (آل عمران: ۱۶۶)

۳-۱- عطوفت پیامبر با شهدا و خانواده های آنها

پیامبر در این جنگ نسبت به خانواده های شهدا این طور عمل کردند که جنازه های آنها را برای خانواده هایشان نفرستادند بلکه دستور دادند که اجساد شهدا دفن شوند و این کار پیامبر برای جلوگیری از پراکنده شدن اجساد شهدا و این که حزن و اندوه خانواده های آنها کمتر گردد انجام شد (ابوزهره، ۱۹۷۹، ۲/۲۲۲).

۳-۱-۲. گذشتن از کوتاهی ها و قصورهای یاران

این آیه که در مورد شکست مسلمانان در جنگ احد است نتیجه مخالفت با رسول خدا و سرپیچی کردن از دستورات ایشان و حرص و آز است و قرآن می فرماید که سنت خداوند این است که از کسی جانبداری نمی کند و اگر آنها در کار خود کوتاهی کردند بر آنان لازم است که نتیجه قصور و کوتاهی خود را بپذیرند. زمانی که آنها دچار شکست شدند و از خطاها و قصور خود پشیمان گشتند پیامبر (ص) نیز از آنها گذشت و خیر و برکت به سمت آنها آمد و مسلمانان از این اشتباهات و دردها؛ درس ها و تجربه هایی به دست آوردند که مایه افزایش و پاکی عقیده و صفا و صمیمیت در آنها گشت و خداوند آنها را به صلاحیت و پیروزی وعده داد (سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، ۱/۵۱۵). بعد از آن رنج هایی که مسلمانان کشیدند؛ در پایان جنگ پیروز شده و عملا طعم خیر و صلاح را چشیدند. آنان با قضا و قدر خداوند روبرو شده و خداوند هرچه را بخواهد در مورد آنان انجام می دهد و تا زمانی که در راستای خداشناسی باشند، آن چیز مایه خیر و خوشی آنها می گردد (همان).

۳-۲. جنگ خندق

گروهی از یهودیان بنی نضیر که در غزوه بنی نضیر از مدینه خارج شدند به منطقه خیبر رفتند و در آنجا گروه زیادی از سران و جنگجویان یهود جمع شده و سپس به همراه گروهی از مشرکان علیه پیامبر (ص) هم پیمان گشتند. در این جنگ پیامبر و یارانش تصمیم گرفتند که در شهر بمانند و دفاع کنند و چون تجهیزات ضعیف تری داشتند تصمیم گرفتند که دور شهر را خندق حفر کنند (واقعی، ۱۳۶۱ش، ۳۴۲) در قرآن در مورد این جنگ آمده است: {إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا} (احزاب: ۱۰)

۱. و روزی که در احد آن دو گروه با هم برخورد کردند، آنچه به شما رسید به اذن خدا بود تا شما را بیازماید و مؤمنان را معلوم بدارد.

۳-۲-۱. شوخی شیرین و مهربانانه

در این جریان زید پسر ثابت که پیامبر(ص) در مورد او فرمود او بهترین جوان است. در داخل خندق به خواب رفت و هوا بسیار سرد بود عماره پسر حزم اسلحه زید را برداشت و او متوجه نشد و هنگامی که بیدار شد نگران و پریشان گشت. پیامبر(ص) به او فرمود: ای پدر خواب؛ خوابیدی تا اسلحه ات از دست رفت. در این جریان پیامبر(ص) با او شوخی می کرد و گفت چه کسی اسلحه این جوان را برداشته است آن را بدو برگرداند (همان).

۳-۲-۲. صبر و بردباری پیامبر(ص)

در جنگ خندق سرتا سر شهر مدینه را به صورت حصاری بسیار بزرگ و غیرقابل عبور، تعبیه کردند. چون دشمن سعی می کرد که از جاههای کم عرض تر حمله ور شود مسلمانان نیز دائماً در حال پویایی و تحرک برای جلوگیری از آنها بودند که خداوند در قرآن در آیه ۱۰ احزاب این را شرح می دهد (بیهقی، ۱۹۸۵، ۴۰۳/۳).

۳-۲-۳. برخورد قدرتمندانه

مشرکان با این که تمام شهر را محاصره کرده بودند از هر طرف حمله ور می شدند و شرایط به گونه ای بود که پیامبر خدا حتی نتوانست نماز ظهر و عصر خود را بخواند ولی با قدرت و یاری خداوند به مقابله با مشرکان پرداخت تا زمانی که آنها دور شدند و هر دو گروه از یکدیگر جدا شده و به جایگاههای خود بازگشتند (سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، ۵/ ۲۸۳۹).

۳-۳. حمراء الاسد

حمراء الاسد از غزوات پیامبر است که در سال سوم هجری یعنی یک روز پس از جنگ احد روی داد و هدف پیامبر از این غزوه بازداشتن مشرکان از حمله مجدد به مدینه بود. (ابن هشام، ۱۳۶۹ش، ۳/ ۱۰۷-۱۰۸؛ سعد بغدادی، ۱۳۹۰ش، ۲/ ۴۹) {الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ} (آل عمران: ۱۷۲)

۳-۳-۱. عزم و اراده قوی و عدم سستی

هدف پیامبر(ص) از این غزوه این بود که برای حمله احتمالی مشرکان آماده باشد و علاوه بر این، خواهان نشان دادن قدرت مسلمانان به دشمن بود تا به آنها بفهماند زخمی که در غزوه احد به آنان وارد شد عزم آنها را برای مقابله با دشمن سست نکرده است (واقعی، ۱۳۶۱ش، ۱/ ۳۳۶-۳۳۷).

۱. کسانی که [در نبرد احد] پس از آنکه زخم برداشته بودند، دعوت خدا و پیامبر او را اجابت کردند، برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند پاداشی بزرگ است.

۳-۳-۲. ایجاد کردن یک شکست روانی برای مشرکان

پیامبر پس از ۵ روز از حمراء الاسد به مدینه بازگشت و این غزوه، شکستی روانی و تبلیغی برای قریش و منافقان در مدینه داشت (شمس شامی، ۱۹۹۳م، ۴/ ۴۴۴ و ۴۴۵) {..... فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لِّمِ يَمْسَسْتُهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ} (آل عمران: ۱۷۲-۱۷۵) دشمن می خواست که مسلمانان را پر از ترس و هراس کند و پیامبر(ص) به مکر و نیرنگ آنان پی برد و تلاش و کوشش او را پوچ و بی اثر کرد. بنابراین مسلمانان نباید از دشمنان بترسند و خوف و هراسی به دل خود راه ندهند زیرا اهریمن می خواهد شر و فساد در زمین راه بیندازد و مسلمانان را مطیع آنها کند. از این رو پیامبر(ص) مسلمانان را از حقیقت مکر و کید آنها با خبر کرد زیرا مومنی که به پروردگار تکیه دارد نباید از اهریمن بترسد. از این رو روند قرآنی این را بررسی می کند و پیامبر را تسلیت و دلداری می دهد و غم و اندوهی را که بر دل او قرار گرفته می زداید (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ۱/ ۵۲۰).

۳-۴-۲. بنی قریظه

بنی قریظه از غزوه های پیامبر(ص) با یهودیان مدینه است که در سال ۵ هجری و به دلیل پیمان شکنی یهودیان بنی قریظه و هم پیمان شدن آنان با مشرکان در غزوه خندق اتفاق افتاد. در این غزوه مسلمانان قلعه های بنی قریظه را محاصره کرده و بعد از حدود یک ماه یهودیان تسلیم شدند. (واقعی، ۱۳۶۱ش، ۱/ ۱۲۷-۱۳۰) {وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَ أَوْزَنَكُمْ أَرْضَهُمْ وَ دِيَارَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَرْضًا لَمْ تَطُوهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا} (احزاب: ۲۵-۲۷)

۳-۴-۱. مسالحه و سازش

در این جنگ پیامبر(ص) ابتدا گروهی را فرستاد تا بنی قریظه را راضی کند و با مصالحه، جنگی صورت نگیرد ولی کعب سر کرده آنها به دشنام و بدزبانی و توهین پرداخت و سخنان و مباحث فرستادگان پیامبر(ص) هیچ تاثیری در این گروه نداشت. در واقع پیامبر تمام تلاش خود را کردند که از طریق مذاکره مشکل حل شود ولی این گروه، ترس و وحشتی در دل مسلمانان انداخت سپس پیامبر(ص) به سوی بنی قریظه حرکت کرد و جنگی در گرفت که با یاری خداوند پیامبر(ص) و مسلمانان پیروز شدند (طبری، ۱۳۷۵، ۳/ ۱۹۷).

۳-۴-۲. امید و اطمینان پیامبر(ص) در جنگ

پس از پایان غزوه احزاب و عقب نشینی قریش و غطفان و سایر قبائل عرب از مدینه، طبق روایات اسلامی پیامبر(ص) به منزل بازگشت و لباس جنگ از تن در آورد و به شستشوی خویش مشغول شد، در این هنگام جبرئیل به فرمان خدا بر او وارد شد، و گفت: چرا سلاح بر زمین گذاردی؟ فرشتگان آماده پیکارند، هم اکنون باید به سوی "بنی قریظه" حرکت کنی، و کار

آنها یکسره شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۲۶۹/۱۷). قرآن در این مورد می‌گوید: ﴿وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا﴾ (احزاب: ۲۶) پیامبر در این جریان به طوری برخورد کردند که با وجود هول و هراس بیشماری که وجود داشت و در تنگنا بودن آنها، یارانش ولی به عنوان پناهگاه پرامن و امان مسلمانان و منبع یقین و اطمینان و امید و وثوق ایشان بود (سید بن قطب، ۱۴۱۲ق، ۵ / ۲۸۴۶).

۳-۴-۳. رفتار پیامبر(ص) با زنان اسیر

اسارت زنان و کودکان بنی قریظه با رعایت دقیق مسائل اخلاقی صورت گرفت و هیچ‌گونه تحقیر، توهین یا آزاری نسبت به آنان صورت نگرفت. همچنین پیامبر (ص) اجازه نمی‌دادند که کودکان نابالغ از مادران و یا خواهران و برادران از یکدیگر جدا گردند. ثانیاً اسارت و فروش آنها جنبه صوری داشت تا قدرت و جدیت جامعه نوپای اسلامی نشان داده شود و سایر یهودیان را بترسانند تا از پیمان شکنی دست بردارند و خیال جنگ با مسلمانان را نکنند و آنها را به یهودیان مدینه و یهودیان خیبر فروختند که با آنان نسبت فامیلی داشتند و پس از اندکی آزاد شدند و برخی نیز در خانواده‌های مسلمانان با عزت و رفاه زندگی کردند (واقعی، ۱۳۶۱ش، ۳۹۶).

۳-۵. خیبر

این جنگ میان مسلمانان و یهودیان خیبر اتفاق افتاد که به پیروزی مسلمانان انجامید. بی‌اعتمادی ناشی از تحرکات یهودیان خیبر پیامبر(ص) را بر آن داشت تا برای رهایی از جریان صلح حدیبیه برای ریشه کن ساختن آنها حرکت کند (سبحانی، ۱۳۹۸ش، ص ۷۲۲). ﴿وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَ لَتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ يَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ (فتح: ۲۰) جمله "فَعَجَلَ لَكُمْ هَذِهِ" اشاره است به غنیمت‌های مذکور در آیه قبله، یعنی غنیمت‌های خیبر، که از شدت نزدیکی به منزله غنیمت بدست آمده به حساب آورده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸ / ۲۸۷)

۳-۵-۱. تسامح و گذشت در رفتار

رفتار پیامبر(ص) و مسلمانان با یهودیان خیبر بسیار مهربانانه و همراه با تسامح و گذشت بود. در واقع لشکر اسلام همانند یک لشکر جنگی به حمله و قتل و غارت نپرداخت. درگیری

۱. و کسانی از اهل کتاب را که با [مشرکان] همپستی کرده بودند، از دژهایشان به زیر آورد و در دل‌هایشان هراس افکند: گروهی را می‌کشتید و گروهی را اسیر می‌کردید.

۲. و خدا به شما غنیمت‌های فراوان [دیگری] وعده داده که به زودی آنها را خواهید گرفت، و این [پیروزی] را برای شما پیش انداخت، و دست‌های مردم را از شما کوتاه ساخت، و تا برای مؤمنان نشانه‌ای باشد و شما را به راه راست هدایت کند.

هایی که صورت گرفت حساب شده و در حد ضرورت بود و اساساً به یهودیان اینگونه می‌نگریستند که آنان دشمنی هستند که باید نابود شوند. پس از توافق اولیه و تنظیم قراردادی مبنی بر این که یهودیان باید بروند؛ پیامبر (ص) باز هم کوتاه آمد و به درخواست آنان توافق اولیه را نادیده گرفت و پذیرفت که یهودیان در مناطق و قلعه‌های خود باقی بمانند. همچنین زنی یهودی که در صدد قتل پیامبر بود بخشیده شد که اینها نمونه‌هایی از رفتارهای عطاوت آمیز پیامبر (ص) است. (سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، ۶/ ۳۳۲۷)

۳-۵-۲. یقین و اطمینان داشتن پیامبر (ص)

صاحب تفسیر فی ظلال در مورد این آیه می‌فرماید چیزی که خداوند وعده آن را داده و تهیه می‌شود فتح خیر است که از آن به فتح و پیروزی یاد می‌شود و غنیمت‌های پیاپی آن تایید و تاکید می‌گردد و در واقع این نزدیکترین غنیمتی بود که بعد از حدیبیه به دست آمده است. در واقع خداوند بر مسلمانان منت نهاد و آنان را در این پیکار یاری نمود. این که مسلمانان از پیامبر اطاعت کردند این تسلیم شدنشان موجب شد که به پیروزی برسند به این دلیل که پیامبر به آنها آرامش و اطمینان و خشنودی بر پیروزی داده بود (سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، ۶/ ۳۳۲۷).

۳-۶. تبوک

غزوه تبوک در سال نهم هجرت بین مسلمانان و روم شرقی رخ داده است. {لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُفٌ رَّحِيمٌ} (توبه: ۱۱۷)^۱

۳-۶-۱. پذیرش لغزش‌های مهاجرین و انصار

پیامبر (ص) از این که منافقان در جنگ شرکت نکردند و مهاجران و انصار از لغزش‌های جنگ تبوک مثل کندی و سستی اراده و داشتن اندیشه بد و آهنگ بازگشت از نیمه راه را پذیرفت. مهاجران و انصار به دلیل وجود گرمای زیاد و نبود وسیله سواری و فصل برداشت محصول خود، با پیامبر (ص) همراهی کرده و رهسپار جنگ تبوک شدند. در زمانی که دسته‌ای از آنان نزدیک بود که به سوی باطل منحرف بشوند، آنان دانستند که هیچ پناهگاهی جز برگشت به سوی خداوند ندارند. (سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، ۳/ ۱۷۲۳).

۱. به یقین، خدا بر پیامبر و مهاجران و انصار که در آن ساعت دشوار از او پیروی کردند ببخشد، بعد از آنکه چیزی نمانده بود که دلهای دسته‌ای از آنان منحرف شود. باز برایشان ببخشد، چرا که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است.

۳-۶-۲. بنی نضیر

این غزوه دومین جنگ پیامبر(ص) با یهودیان مدینه است که در سال چهارم هجری اتفاق افتاد. پیامبر با یهود بنی نضیر پیمان سازش و عدم تعرض داشت. پیامبر(ص) برای انجام کاری و چند نفر از یاران خود برای صحبت کردن نزد آنان رفت و آنها به درون قلعه رفته تا چیزی بیاورند ولی تصمیم گرفتند که سنگی از بالای دیوار بر سر پیامبر زده و او را بکشند. جبرئیل پیامبر(ص) را آگاه ساخت و این نقض پیمان موجب جنگ شد. (واقعی، ۱۹۸۹م، ۳۶۳/۱) **هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ وَ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** {حشر: ۱-۶}



نتیجه گیری

یکی از مواردی که پیامبر(ص) در طول دوران عمر خود سعی بر آن داشتند تا سجایای اخلاقی را رعایت کنند در زمان‌های جنگ بوده است که در قرآن به این اصول اشاره شده است. رعایت اصول اخلاقی و تربیتی در جوامع امروزی امری ضروری است از این رو پایبندی به آن به خصوص در مواقع خطر از اهمیت زیادی برخوردار است. پیامبر(ص) به عنوان یک حاکم سیاسی و مذهبی جامعه اسلامی در حین جنگ و پس از آن تلاش می‌کردند تا اصول اخلاقی را رعایت کرده و نکات تربیتی را به اصحاب و یاران آموزش بدهند.

از جمله نمودهای تربیتی و اخلاقی پیامبر(ص):

۱. عطوفت و رحمت ایشان بود که در مواردی با بخشش و احسان با مخالفین خود برخورد می‌کردند. پیامبر با سپاهیان و خانواده‌های آنها با مهربانی رفتار می‌نمودند مثلاً پس از جنگ بدر ضمن دستور به خاکسپاری شهدای اسلام، کشتگان قریش را نیز دفن کرده و بسیاری از دشمنان مثل سهیل بن عمرو مورد بخشش پیامبر(ص) قرار گرفتند. با خانواده‌های شهدا با مهربانی برخورد کرده و با دیدن خانواده‌های آنها گریستند.

۲. اطمینان و آرامش دل و ایجاد امید و انگیزه در دل یاران خود در هنگام برخورد با سختی‌ها از مبانی اخلاقی دیگری بود که پیامبر(ص) با استحکام و محکم میدان جنگ را حفظ کرده و رعب و وحشت در دل سپاهیان را از بین می‌بردند.

۳. شجاعت و پیشتازی و آمادگی همیشگی از دیگر مشخصه‌های فرماندهی پیامبر(ص) در جنگ‌ها بود. پیامبر(ص) علاوه بر این موارد در میدان نبرد برای رسیدن به پیروزی صبر و استقامت پیشه می‌کردند و پس از جنگ با سربازان و حتی مشرکان بر اساس حلم، بخشش و بردباری عمل می‌نمودند.

۴. در بسیاری از موارد از قصورها و کوتاهی‌هایی که بعضا یارانش داشتند گذشت می‌کردند و به آنها مهلت دوباره برای جبران می‌دادند. و همچنین نکات اخلاقی دیگری که در متن مورد اشاره و بررسی قرار گرفت.

فهرست منابع

۱. ابن الأثیر، عزالدین (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، تهران، دار صادر.
۲. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶ق)، *مسند*، تحقیق عبدالمحسن ترکی، بیروت، موسسه الرساله.
۳. ابن هشام، عبدالملک (۱۳۶۹ش)، *السیره النبویه*، بی جا، ادیب مصطفوی.
۴. ابوزهره، امام محمد (۱۹۷۹ق)، *خاتم النبیین*، بی جا، دارالفکر العربی.
۵. احمدی میانجی، علی (۱۳۸۷)، *الاسیر فی الاسلام*، تهران، دادگستر.
۶. اصفهانی، عبدالله (۱۹۹۸)، *عوامل العلوم*، تحقیق محمد باقر موحد، قم، موسسه الامام المهدی.
۷. بخاری، محمد (۱۴۱۰)، *صحیح بخاری*، قاهره، بی نا.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۹۸)، *انساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر.
۹. بلاغی، محمد جواد (۱۳۵۲ق)، *الرحله المدرسیه*، کربلا، موسسه الاعلمی.
۱۰. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵ق)، *دلائل النبوه*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۴۴ش)، *تاریخ بیهقی*، مترجم: خطیب رهبر، تهران، مهتاب.
۱۲. حلبی، علی بن ابراهیم (۱۴۲۷ق)، *السیره الحلبیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۳. رشیدرضا، محمد (بی تا)، *تفسیر المنار*، بیروت، دارالمعرفه.
۱۴. زحلی، وهبه (۱۹۸۸)، *آثار الحرب فی الفقه الاسلامی*، دمشق، دارالفکر.
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۳۹۸ش)، *فروع ابدیت*، قم، بوستان کتاب.
۱۶. سعد بغدادی، محمد (۱۳۹۰ش)، *طبقات ابن سعد*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه.
۱۷. شمس شامی، محمد بن یوسف (۱۹۹۳م)، *سبل الهدی و الرشاد*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۰. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵ش)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر.
۲۱. قطب، سید (۱۴۰۸ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشروق.
۲۲. لسانی فشارکی، محمد علی (۱۳۸۰ش)، *رسائل النبی و الوصی*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. مسلم، مسلم حجاج بن قشیری نيسابوری (۲۰۰۶)، *صحیح مسلم*، مصر، دار ابن رجب.
۲۴. مقدسی، مطهر (بی تا)، *البدء والتاریخ*، بی جا، مکتبه الثقافه الدینیة.
۲۵. مهدوی دامغانی، محمود (۱۳۶۱)، *ترجمه دلائل النبوه*، قم، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. نسائی، احمد (۱۴۲۱ق)، *سنن نسائی*، بیروت، شیخ الاسلامی.
۲۷. نمیری، ابن شیه (۱۴۱۰ق)، *تاریخ ابن شیه*، قم، دارالفکر.
۲۸. واقدی، محمد بن عمر (۱۹۸۹)، *مغازی*، بیروت، موسسه الاعلمی.
۲۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۸۹)، *تاریخ یعقوبی*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.